با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

محدوده عملیات عمرانی در بزرگراه شهید تندگویان نیازمند علائم هشداردهنده

هم‌اکنون عملیات عمرانی در محور شمال به جنوب بزرگراه شهید تندگویان نرسیده به شهرک شریعتی در حال انجام است. متأسفانه هیچ علامت هشدار دهنده‌ای برای این عملیات تعبیه و قرار داده نشده که این مسئله علاوه بر ایجاد ترافیک موجب افزایش احتمال خطر تصادف به‌خصوص هنگام شب در این منطقه می‌شود.

تولایی از تهران

آب مشاغل پرمصرف با قیمت ویژه محاسبه شود

یکی از راه‌های کنترل مصرف آب، افزایش قیمت آب برای مشاغل پرمصرف است. بسیاری از رستوران‌ها و اغذیه فروشی‌ها آب تجاری ندارند و از آب شهری متعارف همانند منازل استفاده می‌کنند درحالی که قطعا مصرف آنها چندین برابر یک خانه است. گران کردن قیمت آب برای این اقشار و نیز خانه‌های پرمصرف راه مدیریت مصرف است.

وردیچی از چالوس

چاپ هزینه‌های معیشت از عوامل گرانی است

بسیاری از رسانه‌های کاغذی و آنلاین اقدام به چاپ هزینه‌های معیشت مثلا هزینه یک مهمانی ۴نفری یا شب یلدا یا ... می‌کنند که کار نادرستی است زیرا هزینه این قبیل امور از خانه‌ای به خانه دیگر متغیر است و اصلا مگر یک کارگر چقدر حقوق می‌گیرد که بتواند مهمانی و شب یلدا و... داشته باشد؟ اکنون همه مشکل دارند و چاپ این هزینه‌ها فقط سند دادن دست فروشندگان و عرضه‌کنندگان است که اگر کالایی را کمتر می‌فروخته‌اند با استناد به قیمت‌های چاپ شده گرانفروشی کنند.

دانیال از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

خانه دشمنان ایران از عنکبوت هم سست‌تر است

در روزهایی که کشور به آرامش بیشتری رسیده است اتحاد دشمنان ایران اسلامی با هدف سرنگونی حکومت حق، به ظاهر دارای همبستگی وهمدلی است ولی از درون نه یکپارچگی دارند و نه تکیه گاه پشتیبانی کننده بلکه به تعبیر کلام خدا، خانه آنها از خانه عنکبوت هم سست‌تر است.

خرسند از کرمان

توجه به وضعیت اقتصادی باید اولویت مسئولان باشد

صدها رفتار خلاف اسلام وجود دارد که ما فقط به بعضی از آنها توجه می کنیم درحالی که در جامعه اسلامی باید به همه رفتارهای خلاف اسلام توجه کنیم.محکوم کردن همه رفتارهای غیراسلامی درست است ولی باید دقت کنیم این روزها خرید و احتکار ارز، سکه و مسکن که مایحتاج مردم است و گناه بزرگی به‌شمار می‌رود از سایر مسائل مهم‌تر است و باید برنامه‌هایی قوی برای پیشگیری از احتکار و افزایش تورم تهیه و به دقت اجرا کنیم.

اردشیر نعمت پژوه از تهران

حقوق سرایداران مدارس افزایش یابد

اکثر افرادی که به شغل سرایداری مدارس مشغولند افراد مسن و کم سوادی هستند که یا از ابتدا این شغل را داشته‌اند و یا بعد از بازنشستگی و به‌خاطر کم بودن حقوق به این شغل روی آورده‌اند که در هر دو صورت توان بدنی کمی دارند. نظافت و رسیدگی به یک مدرسه واقعا کاری سخت و طاقت‌فرساست علی الخصوص که هر روز هفته هم باید انجام شود. متأسفانه میزان حقوق و درآمد این قشر اصلا متناسب با میزان کار و فعالیت‌شان نیست. از مسئولان آموزش و پرورش درخواست داریم تا حقوق این افراد را افزایش دهند.

غلامی از تهران

پیام @
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

کارگران فضای سبز رباط کریم محروم از حقوق عرفی

تعدادی از کارگران فضای سبز شهرداری رباط کریم که زیرنظر پیمانکار کار می‌کنند با حقوق ماهانه ۵میلیون و ۶۰۰هزار تومان شاغلند درحالی که در ماه حتی یک روز تعطیلی ندارند و کار روزانه آنها ۱۲ساعت است. این قشر محروم از تعطیلی، مرخصی، اضافه کار که حق هم کارگران است و جدای اینها مزایایی برای این کارگران زحمتکش که ساعات کار طولانی دارند درنظر گرفته نمی‌شود.

کارگر از رباط کریم

دولت برای مهار تورم و قیمت‌ها تدبیری عاجل کند

هم‌اکنون گرانی و تورم بیداد می‌کند و کمر اغلب مردم زیربار هزینه‌ها شکسته و مردم به‌خصوص کسانی که حقوق‌های نابرابر و اندکی می‌گیرند از جمله کارگران و بازنشستگان بسیار تحت فشارند، اما صبوری کرده‌اند و امید دارند دولت محترم برای مهار تورم و گرانی فکری اساسی کند. حتما دولت اذعان دارد که مردم نباید هزینه‌های سنگین کم‌کاری‌ها و ندانم‌کاری برخی مسئولان بی‌لیاقت قبلی و بی‌کفایت و نادان و کارنابلدی برخی مسئولان حاضر را به قیمت جان و مال اندک و ناچیز خود بپردازد ؟!

محمود بلیغیان از اصفهان

وضعیت اتوبوس‌های نوبت عصر پارک وی به راه‌آهن بررسی شود

وضعیت اتوبوس پارک وی به راه‌آهن از ساعت ۱۸ هر روز بد است.باوجود حدود یک ساعت معطلی در سرما در ایستگاه ونک به‌علت پربودن اتوبوس موفق به سوارنشدم و مسافران هر بار با درگیری سوار و پیاده می‌شوند.

سلیمی از تهران

موبایل‌قاپ حرفه‌ای پس از هک کردن گوشی طعمه‌هایش از آنها اخاذی می‌کرد

فرار سارق باجگیر با پلیسی

دادسرا
الهه فراهانی
روزنامه‌نگار

سارق موبایل قاپ، یک هکر حرفه‌ای بود و پس از موبایل‌قاپی به راحتی گوشی طعمه‌هایش را هک کرده و به اطلاعات آنها دست پیدا می‌کرد تا نقشه اخاذی از آنها را عملی کند. او زمانی که برای باجگیری به سر قرار با آخرین طعمه‌اش رفت، تصور نمی‌کرد که در آنجا مأموران پلیس منتظرش باشند. به گزارش همشهری، از چندی قبل مأموران پلیس پایتخت در جریان موبایل قاپی‌های مردی قرار گرفتند که کلاه به سر و ماسک بر چهره داشت و با حمله به طعمه‌هایش دست به سرقت از آنها می‌زد. او ۲شگرد برای سرقت هایش داشت؛ نخست اینکه با شناسایی زنان یا مردانی که درحال صحبت با موبایل بودند، به آنها حمله کرده و گوشی‌شان را می‌قاپید و شگرد دومش اینگونه بود با سد کردن راه عابران در خیابان‌های خلوت چاقویی زیر گلو یا روی پهلویشان قرار می‌داد و با تهدید به قتل، گوشی را سرقت کرده و فرار می‌کرد.

اخاذی‌های سریالی

به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت تحقیقات برای شناسایی و بازداشت سارق موبایل قاپ ادامه داشت اما در جریان بررسی‌ها مشخص شد که سرقت و زورگیری تنها اقدام مجرمانه او نیست. او پس از سرقت گوشی‌ها به راحتی قفل آنها را باز کرده و به اطلاعات داخل گوشی دسترسی پیدا می‌کرد. درصورتی که این اطلاعات عکس و فیلم‌های خصوصی و خانوادگی، مدارک مالی، پروژه‌های کاری و سندهای مهم بود، شماره تلفن مالباخته را از گوشی‌اش به‌دست آورده و در تماس با او برای بازگرداندن اطلاعات گوشی درخواست سکه، طلا، پول نقد یا دلار می‌کرد.

یکی از مالباخته‌ها که قربانی این سارق باجگیر شده بود، به مأموران گفت: به‌دلیل شرایط کاری‌ام برخی اسناد محرمانه را در گوشی موبایلم نگه می‌داشتم که سارق با به‌دست آوردن رمز گوشی، به آنها دست یافته بود. وی پس از سرقت با خط دیگرم تماس گرفت و تهدید کرد که اگر ۵سکه طلا به او ندهم، تمام اطلاعات محرمانه را در فضای مجازی منتشر کرده و برای رقبای کاری‌ام می‌فرستد. من که به شدت ترسیده بودم با تهیه ۵سکه طلا به محل قرار که یکی از پارک‌های تهران بود رفتم. سارق به من زنگ زد و گفت پاکت سکه‌ها را روی نیمکت بگذار و چند دقیقه بعد برگرد همانجا و گوشی‌ات را بردار. من هم این کار را انجام دادم اما وقتی برگشتم متوجه شدم گوشی موبایلم به‌شدت تخریب و تمام اطلاعات پاک شده است.

پایان نقشه‌های سرقت

هرچه تحقیقات در این پرونده پیش می‌رفت تعداد شاکیان نیز بیشتر می‌شد تا اینکه آخرین مالباخته پلیس را در جریان نقشه اخاذی سارق موبایل قاپ قرار داد. وی گفت: مردی که گوشی موبایلم را سرقت کرده بود، با من تماس گرفته و برای پس دادن اطلاعات بسیار محرمانه‌ای که در گوشی داشتم، ۱۰۰میلیون تومان خواسته است. به این ترتیب مالباخته با آموزش‌هایی که پلیس به او داده بود راهی محل قرار شد و کیفی را که به ظاهر داخل آن ۱۰۰میلیون تومان بود روی نیمکت گذاشت و از آنجا دور شد اما زمانی که سارق برای برداشت کیف به سمت نیمکت رفت، در محاصره پلیس گرفتار و دستگیر شد. متهم پس از دستگیری به اداره آگاهی تهران منتقل شد و در بازجویی‌ها به سرقت و اخاذی‌های سریالی اعتراف کرد و تحقیقات از او به شکل ویژه ادامه دارد.

گفت‌وگو

سارقی که می‌گوید نابغه است

یاشار ۴۰ساله است و بارها به اتهام جرایم مختلف به زندان افتاده. او خودش را یک نابغه می‌داند؛ نابغه‌ای که به جای موفقیت در زندگی، تبدیل به یک مجرم حرفه‌ای شده و بیشتر سال‌های جوانی‌اش را در زندان گذرانده است. گفت‌وگو با او را بخوانید.

چرا خودت را نابغه و باهوش می‌دانی؟

من یک هکر حرفه‌ای هستم. شما الان گوشی موبایلت را به من بده و ببین چطور به راحتی قفلش را باز و به اطلاعات آن دسترسی پیدا می‌کنم. من عاشق تکنولوژی هستم. در کودکی و نوجوانی، هر وقت به خانه بستگانم می‌رفتم که کامپیوتر داشتند، سراغ آن می‌رفتم و می‌توانستم کارهای خارق العاده‌ای انجام بدهم. از همان کودکی همه می‌گفتند که تو نابغه‌ای و آینده درخشانی در انتظارت است اما استعدادم را در راه درستی خرج نکردم.

چرا راه درستی را در پیش نگرفتی؟

همه‌چیز دست به‌دست هم داد و من تبدیل به یک تبهکار شدم. فقر، دوستان ناباب، اعتیاد به شیشه و... همه اینها در کنار هم قرار گرفت و موجب شد تا من به اینجا برسم.

چند بار به زندان افتادی؟

۵مرتبه زندانی شده‌ام. هر بار هم به اتهام سرقت گوشی موبایل. تخصصم سرقت موبایل است و همیشه تکرو بوده‌ام. یعنی هیچ وقت همدستی نداشتم. سرقت را از روزی شروع کردم که دیدم به شیشه اعتیاد شدیدی پیدا کرده‌ام و باید خرج موادم تامین شود. بعد از آن هم محکوم به رد مال می‌شدم و چاره‌ای جز سرقت نداشتم برای تامین پول مالباخته‌ها.

چرا تنهایی می‌رفتی سرقت؟

چون حوصله شراکت با کسی را نداشتم. دونده خوبی هستم، می‌رفتم سرقت و بعد در یک چشم برهم زدن با پای پیاده فرار می‌کردم و از موقعیت و خطر دور می‌شدم. بار اول و دومی که افتادم زندان، حین فرار، مردم دستگیرم کردند اما در مراحل بعدی حرفه‌ای‌تر شدم و کمتر پیش می‌آمد که سر بزنگاه مردم بتوانند مرا تعقیب و دستگیر کنند.

آخرین بار کی از زندان آزاد شدی؟

پاییز امسال، بعد از ۲ سال و نیم حبس آزاد شدم و این‌بار تصمیم گرفتم علاوه بر سرقت از طعمه‌هایم اخاذی هم کنم. چون می‌خواستم این بار از هنر و استعدادی که دارم استفاده کنم! با خودم گفتم، یک گوشی سرقت می‌کنم که ممکن است تا ۷۰میلیون تومان ارزش داشته باشد و آن وقت مالخر چقدر آن را از من می‌خرد؟ خیلی بخرد ۱۰میلیون تومان. من گوشی‌های سرقتی را بین ۲ تا ۱۰میلیون تومان به افغان‌ها می‌فروختم و آنها هم گوشی را از کشور خارج می‌کردند. این‌بار تصمیم گرفتم از مالباخته‌ها اخاذی کنم. می‌دانستم افراد حاضر هستند به‌خاطر اطلاعات و عکس‌هایی که در گوشی هایشان وجود دارد هر مبلغی که بگویم پرداخت کنند.

چطور می‌توانستی گوشی‌ها را رمزگشایی کنی؟

خب این هنر من است و نمی‌توانم فوت و فن کاری که انجام می‌دهم را به شما بگویم. وقتی گوشی را هک می‌کردم، در داخل گوشی می‌گشتم تا شماره خانه یا دفتر یا سیم‌کارت دیگر مالباخته را پیدا کنم. در بعضی مواقع هم با شماره‌های بستگان و اقوام مالباخته تماس می‌گرفتم و از طریق آنها به شاکی می‌رسیدم. صبر کنید... یک نقشه دیگر هم داشتم، گاهی با خط مالباخته به دوستان و اقوام وی پیامی می‌فرستادم و با دادن شماره کارت و نوشتن این پیام که نیاز به پول دارم، اخاذی می‌کردم. یک نکته عجیب دیگر این بود که یکی از مالباخته‌ها، از بستگانم در آمد و خب با پارتی بازی به او تخفیف دادم!

بیشتر توضیح بده.

یک شب گوشی یک نفر را زدم که خب چون شب بود و تاریک، چهره طرف را ندیدم. وقتی به جست‌وجو در عکسای او پرداختم، به تصاویر خودم در یک مهمانی رسیدم. آنجا بود که متوجه شدم طرف آشناست به همین دلیل مبلغ کمی از او اخاذی کردم.

حتی به فامیلت هم رحم نکردی؟

به او تخفیف دادم!

تو را نشناخت؟

نه صورتم که هنگام سرقت پوشیده بود. در تماس تلفنی هم صدایم را تغییر دادم و از او خواستم با پیک برایم سکه‌ها را بفرستد. من هم بی‌آنکه گوشی‌اش را تخریب کنم آن را برگرداندم.

جزئیات شلیک به پسری جوان در قزوین

تحقیقات قضایی درباره مرگ جوانی که در جریان تعقیب و گریز با مأموران پلیس قزوین به ضرب گلوله جانش را از دست داد، آغاز شده است.

به گزارش همشهری، شامگاه پنجم دی‌ماه مأموران پاسگاه ارداق واقع در استان قزوین هنگام گشتزنی در نزدیکی روستای دیال‌آباد به ۲سرنشین یک وانت مشکوک شدند و به آن دستور ایست دادند. اما راننده وانت با دیدن مأموران تلاش کرد با افزایش سرعت فرار کند. مأموران به تعقیب وانت پرداختند و در نهایت با رعایت قانون به‌کارگیری سلاح اقدام به تیراندازی کردند که یکی از سرنشینان وانت هدف قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستان جانش را از دست داد.

ابوالحسن کبیری، معاون سیاسی و امنیتی استاندار قزوین درباره این حادثه به تسنیم گفت: در این حادثه بعد از اینکه سرنشینان وانت متوجه حضور خودروی نیروی انتظامی شدند اقدام به فرار کردند و هرچه مأموران به آنها فرمان ایست دادند خودرو را متوقف نکردند و از روستای دیال‌آباد به سمت باغات روستای جوهرین فرار کردند. در آنجا بود که خودروی نیروی انتظامی در تعقیب و گریز به‌خودروی آنها نزدیک شد که راننده وانت با حرکت دنده عقب به جلوی خودروی پلیس کوبید تا چراغ‌های خودروی مأموران را خرد کند و مانع تعقیب شود. کبیری در ادامه گفت: در این هنگام مأموران اقدام به شلیک تیرهوایی کردند اما سرنشینان وانت با تفنگ شکاری به‌سوی مأموران تیراندازی کردند. در پاسخ به آن چند تیر به سمت خودروی در حال فرار شلیک شد که در نهایت وانت به‌سوی باغات سمت روستای جوهرین متواری شد و ساعتی بعد راننده وانت دوست خود را به بیمارستان شفای تاکستان منتقل کرد اما او فوت شد و با حضور مأموران در بیمارستان راننده تحت بازجویی قرار گرفت. در همین حال علی شعبانی، رئیس کل دادگستری استان قزوین نیز از تشکیل پرونده قضایی برای بررسی این حادثه خبر داد و گفت: در جریان تحقیقات راننده خودرو به استفاده از مشروبات الکلی و یک قبضه سلاح غیرمجاز متعلق به پدر متوفی اقرار کرد. راننده وانت دارای سوابق متعدد کیفری ازجمله ضرب و جرح عمدی، مشارکت در نزاع دسته جمعی، تخریب، توهین، فحاشی، رانندگی بدون پروانه، نگهداری مشروبات الکلی، توهین به مأموران و تمرد نسبت به مأموران هنگام انجام وظیفه است. او همچنین دارای ۲فقره محکومیت قطعی کیفری در دادگاه عمومی بخش ارداق است.

به گفته او در خصوص این حادثه در دادسرای استان پرونده قضایی تشکیل شده و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

تیراندازی به‌سوی طلبه‌ای در قم

پلیس در تعقیب فرد ناشناسی است که با تیراندازی به‌سوی طلبه‌ای جوان در قم او را به‌شدت مجروح کرد و گریخت.

به گزارش همشهری، این حادثه پنجشنبه‌شب در حوالی خیابان دروازه ری قم اتفاق افتاد. در جریان آن فرد ناشناسی که سوار بر موتورسیکلت بود به‌سوی طلبه‌ای جوان ۲گلوله شلیک کرد و بلافاصله از آنجا گریخت. گلوله‌های شلیک شده به شکم و پای طلبه جوان برخورد کرد و درحالی که او به‌شدت مجروح شده بود به بیمارستان منتقل شد. به‌دنبال این حادثه با حضور مأموران پلیس در محل، تحقیقات برای شناسایی عامل این حمله مسلحانه آغاز شد. از سوی دیگر آیت‌الله علیرضا اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه در تماسی با سردار میرفیضی فرمانده انتظامی استان قم، حادثه پیش آمده برای این طلبه را پیگیری کرد.

وی در این تماس ضمن اطلاع از حال این طلبه، خواستار بررسی حادثه پیش‌آمده برای آنان و برخورد قانونی با مباشرین و مسببان آن شد.

گروگانگیری خواهران جوان؛ از شیراز تا قزوین

داخلی

سارق جوان پس از آنکه در فضای مجازی با دختری در شیراز طرح دوستی ریخت و اعتماد او را جلب کرد، به خانه‌شان رفت و با اجرای نقشه‌ای عجیب، دست به گروگانگیری زد.

به گزارش همشهری، عامل این آدم‌ربایی پسری ۱۸ساله است. او از مدتی قبل در یکی از شبکه‌های اجتماعی با دختری ۱۸ساله آشنا شد و با او طرح دوستی ریخت. پسر جوان مدام به این دختر که ساکن شیراز بود پیام می‌داد و به او ابراز علاقه می‌کرد. همین پیام‌ها باعث شد که بعد از مدتی ارتباط آنها با یکدیگر نزدیک‌تر شود. رابطه صمیمی دختر و پسر جوان با یکدیگر ادامه داشت تا اینکه پسر جوان گفت می‌خواهد برای خواستگاری از دختر مورد علاقه‌اش به شیراز برود. دختر جوان غافل از نقشه عجیبی که پسر مورد علاقه‌اش برای او و اعضای خانواده‌اش کشیده آماده پذیرایی از او شد. روز حادثه وقتی پسر جوان وارد شد دختر شیرازی و خانواده‌اش به گرمی از او استقبال کردند.

بیهوشی

پسر جوان سرگرم صحبت کردن با پدر و مادر دختر مورد علاقه‌اش بود که ناگهان هردو نفرشان به شکل عجیبی بیهوش شدند. دختر جوان و خواهر ۱۳ساله‌اش نگران والدین‌شان شده بودند و نمی‌دانستند چه اتفاقی باعث بیهوشی آنها شده است. ماجرا از این قرار بود که پسر جوان به دور از چشم صاحب میزبان، داخل نوشیدنی آنها داروی بیهوشی ریخته و آنها را بیهوش کرده بود. حالا اما وقت آن بود که او مرحله بعدی نقشه پیچیده‌اش را اجرا کند.

سرقت جلوی چشم میزبان

پسر شیاد که فکر همه‌چیز را کرده بود ناگهان رفتارش تغییر کرد. او با تهدید دختر جوان و خواهر نوجوانش آنها را وادار به سکوت کرد. پس از آن شروع به جست‌وجوی خانه کرد و در عرض چند دقیقه مقدار زیادی طلا، پول، چند گوشی موبایل، لپ‌تاپ و... پیدا کرد. ۲خواهر تا آن زمان فکر می‌کردند که خواستگار قلابی قصد سرقت دارد اما او بعد از جمع‌آوری اموال باارزشی که در خانه بود با تهدید از ۲خواهر خواست که همراه او از خانه خارج شوند.

از شیراز به اصفهان

پسر سارق اهل یکی از شهرهای استان قزوین است. او که حالا دست به آدم‌ربایی زده بود قصد داشت گروگانش را به شهر خودش منتقل کند. برای این کار او باید از اصفهان عبور می‌کرد. آنها چند ساعت بعد به اصفهان رسیدند و سارق در یکی از مغازه‌های شهر طلاهای مسروقه را فروخت و حدود ۳۵۰میلیون تومان پول به‌دست آورد. بعد از آن در شرایطی که ۲خواهر شیرازی نمی‌دانستند چه سرنوشتی در انتظارشان است پسر جوان آنها را به شهر البرز واقع در استان قزوین برد و آنها را در خانه‌ای که با پول به‌دست آمده از فروش اموال مسروقه اجاره کرده بود زندانی کرد.

عملیات پلیس

ربودن ۲خواهر شیرازی و انتقال شهر به شهر آنها از شیراز تا قزوین در شرایطی اتفاق افتاده بود که ساعتی پس از ربودن آنها پدر و مادرشان به هوش آمده و تازه متوجه بلایی شده بودند که بر سر خودشان و فرزندان‌شان آمده بود. آنها همان موقع نزد پلیس رفتند و با شکایت‌شان تحقیقات مأموران برای نجات ۲دختر ربوده شده و دستگیری جوان آدم‌ربا آغاز شد. بررسی‌های پلیس نشان می‌داد که جوان آدم‌ربا ۲خواهر را به شهرستان البرز منتقل و آنها را در خانه استیجاری زندانی کرده است. در این شرایط بود که از مأموران پلیس آگاهی استان قزوین درخواست کمک شد و آنها وارد عمل شدند. مأموران با استفاده از ترفندهای پلیسی توانستند اسارتگاه دختران ربوده شده را شناسایی کنند و سرانجام ضمن دستگیری متهم اصلی و ۲نفر دیگر که با او همدستی کرده بودند ۲دختر جوان را آزاد کنند.

سرهنگ امیرحسام عزیزی، رئیس پلیس آگاهی قزوین در این‌باره گفت: کارآگاهان اداره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی با نیابت قضایی به‌طور ویژه برای رهایی ۲دختر ۱۸ و ۱۳ساله وارد عمل شدند. بررسی‌های انجام شده نشان می‌داد عامل اصلی آدم‌ربایی پس از ارتباط با خواهر بزرگ‌تر در شبکه‌های اجتماعی به شیراز رفته و با اغفال او وارد منزل‌شان شده و با بیهوش کردن پدر و مادرش مقادیری طلا، گوشی و لپ تاپ به ارزش بیش از ۳۵۰میلیون تومان سرقت و ۲دختر خانواده را به گروگان گرفته است. سرهنگ عزیزی ادامه داد: با اقدامات اطلاعاتی و ردزنی‌های گسترده سرانجام در عملیاتی غافلگیرانه آدم ربا همراه با ۲همدستش دستگیر شدند و ۲دختر ربوده شده به آغوش خانواده بازگشتند. به گفته او متهمان در بازداشت به‌سر می‌برند و تحقیقات دراین‌باره ادامه دارد.

کوتاه از حادثه

پلیس راهور؛ فرشته نجات پیرمرد

پیرمرد مبتلا به آلزایمر که پس از گم‌شدن در بزرگراه در خطر مرگ قرار گرفته بود با کمک مأموران پلیس راهور به خانه‌اش برگشت. به گزارش همشهری، چند روز پیش پیرمردی که دچار بیماری آلزایمر بود، در حوالی بیمارستان بقیه‌الله تهران، از همسرش که همراه وی بود، جدا شد و پا در بزرگراه چمران گذاشت و از آنجا مسیر بزرگراه همت را پیش گرفت. به گفته سرهنگ علی‌اصغر شریفی، رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهور تهران استوار کولیوند، عضو تیم پلیس بزرگراه منطقه ۲۳ پلیس‌راهور که در این محدوده حضور داشت، با مشاهده پیرمرد که چندبار به طرز خطرناکی قصد عبور از عرض بزرگراه را داشت و هر لحظه ممکن بود با خودروهای عبوری تصادف کند، دست به‌کار شد و با نگه داشتن لحظه‌ای خودروها، از یک حادثه تلخ جلوگیری کرد. استوار پلیس پس از آنکه پیرمرد را از وسط بزرگراه به محل ایمن منتقل کرد، متوجه بیماری وی شد و با تجربه‌ای که داشت دریافت که وی از خانواده دور شده و آنها اکنون نگران وی هستند و به دنبال این فرد می‌گردند. رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهور تهران بزرگ بیان داشت: پس از حضور تیم گشتی در محل، این پیرمرد به کلانتری ونک انتقال داده شد و همزمان جست‌وجوی تیم پلیس بزرگراه برای پیداکردن خانواده او ادامه یافت تا اینکه پس از ۴ساعت پیگیری بالاخره خانواده این فرد پیدا شد و با حضور در کلانتری، پیرمرد گمشده در آغوش خانواده‌اش قرار گرفت.

محاکمه زوج آدم‌ربا به اتهام قتل گروگان‌شان

زن و شوهری با ربودن مرد خیر در قم قصد اخاذی از خانواده او را داشتند اما نقشه آنها ۲۴ساعت بعد با قتل گروگان و دستگیری آنها در پایتخت پایان یافت. حالا و با صدور کیفرخواست مشارکت در قتل عمد، این زوج بزودی در دادگاه پای میز محاکمه قرار خواهند گرفت.

به گزارش همشهری، اول تیر ماه سال گذشته، خانواده مردی ۶۶ساله ماجرای ناپدید شدن وی را به پلیس قم اعلام کردند. مرد قمی، برج‌ساز ویکی از خیران خوشنام این شهر بود که به‌گفته خانواده‌اش صبح آن روز برای رفتن به محل کارش از خانه خارج و پس از آن به‌طرز مشکوکی ناپدید شد.

یک روز بعد، تهران

یک روز پس از این ماجرا، مأموران گشت پلیس فرودگاه بین‌المللی امام خمینی در محدوده فرودگاه در حال گشتزنی بودند که به سرنشینان خودروی پژویی مشکوک شدند. آنها زن و مردی جوان بودند که داخل ماشین با هم درگیری داشتند و به محض دیدن پلیس، تغییر مسیر دادند و خلاف جهت خیابان فرار کردند. مأموران به تعقیب این خودرو پرداختند و دقایقی بعد موفق شدند آن را متوقف کنند. سرنشینان ماشین مدعی بودند که زن و شوهر هستند و درگیری آنها اختلافات خانوادگی است. اما مأموران که به آنها مشکوک بودند شروع به بازرسی ماشین کردند. آنها در صندلی عقب مردی را با دست و پا و دهان بسته یافتند که جانش را از دست داده بود و نفس نمی‌کشید. زوج جوان که وحشت‌زده بودند مدعی شدند که قربانی گروگان آنها بوده اما در بین راه جان باخته است. در این شرایط زوج جوان بازداشت شدند و با انتقال آنها به اداره پلیس، معلوم شد که جسدی که داخل ماشین آنها بود متعلق به همان برج‌ساز خیر قمی است که یک روز قبل‌تر ناپدید شده بود.

در ادامه مرد جوان در بازجویی‌ها گفت: مقتول مرد خیری بود که به من و همسرم کمک مالی می‌کرد. من مدت‌ها بود که معتاد شده و به‌خاطر اعتیادم کارم را از دست داده بودم. مقتول در شهر ما یعنی قم زندگی می‌کرد و همه از خوبی او می‌گفتند. یکی از آشنایانمان وی را به ما معرفی کرد تا به ما کمک مالی کند. وی ادامه داد: همسرم با مرد خیر صحبت کرده و به او گفته بود که من معتاد هستم. قرار بود مرد خیر هزینه درمان مرا بپردازد تا در کمپ بستری شوم و ترک کنم. وقتی این موضوع را شنیدیم مخالفت کردم و به همسرم گفتم مقتول را به بهانه اینکه مرا به کمپ ببرد به خانه‌مان بکشانیم. می‌خواستم او را گروگان بگیرم و حسابش را خالی کنم. حتی می‌خواستم در قبال آزادی‌اش از خانواده‌اش درخواست میلیاردها تومان، پول کنم.

متهم گفت: روز حادثه مقتول به خانه ما آمد که مرا به کمپ ببرد که با تهدید چاقو، دست و پا و دهانش را بستم و او را در صندلی عقب ماشینم قرار دادم. نقشه را با همدستی همسرم اجرا و به سمت تهران حرکت کردیم. وقتی به حوالی رباط کریم رسیدیم، تصمیم گرفتم کارت‌های گروگان را بگیرم و حسابش را خالی کنم. او هم از ترس جانش کارتش را به همراه رمزش در اختیارم قرار داد و در مدت ۲۴ساعتی که او گروگان ما بود هرچه می‌خواستم با کارت او می‌خریدم. وی ادامه داد: به گروگان غذا هم دادیم اما نمی‌دانم چه شد که ناگهان فوت کرد. احتمال می‌دهم که به‌دلیل گرمازدگی جانش را از دست داده است. وقتی دیدیم او فوت شده ترسیدیم و به‌دنبال راهی برای پنهان کردن جسد بودیم اما مأموران فرودگاه ما را دیدند و دستگیرمان کردند. با دستگیری این زوج، اولیای دم با حضور در دادسرای جنایی تهران خواستار قصاص آنها شدند. بازپرس شعبه سوم نیز پس از تحقیقات تکمیلی و بررسی تمامی شواهدی که به‌دست آمده بود، برای زن و شوهر آدم‌ربا به اتهام مشارکت در قتل کیفرخواست صادر کرد تا آنها به‌زودی به اتهام قتل عمدی در دادگاه کیفری محاکمه شوند.